

◆ سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا (ص)

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵

چکیده: چنانچه تشکیل حکومت اسلامی، برای سرپرستی و اداره شؤون مسلمانان

به حکم ضرورت لازم آید، قهرا نظام و تشکیلاتی باید باشد که بر تعیین حاکم،

شرایط، صلاحیت‌ها، اختیارات و اوصاف او نظارت داشته باشد و در چگونگی

صدور صلاحیت‌ها و رابطه حاکم بر مردم ضوابطی باشد و گرنه هرج و مرج جای

نظم و انضباط را می‌گیرد و این بر خلاف اصول اسلام و منطق است. این نوشتار

بر آن است تا حکومت اسلامی رسول الله صلی الله علیه و آله را که پس از هجرت در

مدینه ایجاد کردند، مورد شناسایی قرار دهد و در نگرشی دقیق، سازمان اداری آن

را تشریح کند.

مقدمه

اندیشه حکومت اسلامی، طبق آیات قرآن کریم و رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و

آله به صحابه، دلالت بر احساس فطری بشر در تشکیل دولت دارد. (۲) علامه

طباطبایی قدس سره با استناد به آیه: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التی

فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون» (۳)

لزوم دولت اسلامی را اثبات می‌کند و در توضیح آن، یادآور می‌شود: فطری بودن

نیاز به تشکیلات حکومتی، به حدی بود که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از

هجرت به مدینه، دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود پرسش‌هایی که در

زمینه حیض و اهل و انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر صلی

الله علیه و آله توضیح می‌خواستند، در مورد تشکیل دولت هیچگونه پرسشی مطرح

نکرده و توضیحی نخواستند. حتی جریان‌های پس از رحلت آن حضرت نیز با

تمامی فراز و نشیب، از همین احساس فطری سرچشمه می‌گرفت. همه به انگیزه

فطرت احساس می‌کردند که چرخ جامعه اسلامی بدون گرداننده، گردش نخواهد کرد

و دین اسلام این واقعیت را، که در جامعه اسلامی باید حکومتی وجود داشته باشد،

امضای قطعی نموده است. (۴)

طبیعی است که اسلام برای فعلیت بخشیدن به اهداف عالی خویش در زمینه‌های

گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی عبادی، نیازمند وجود دولت است.

حضرت امام خمینی قدس سره در کتاب ولایت فقیه خویش، وجود احکام مالی، دفاع

ملی، احقاق حقوق و احکام جزایی در متن دین و شریعت را دلیل بر لزوم تشکیل

حکومت دانسته، می‌نویسند:

«سنت و رویه پیغمبر صلی الله علیه و آله دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا

اولاً: خود تشکیل حکومت داد... و ثانیاً: برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم

کرده است. (۵)»

چنانچه تشکیل حکومت اسلامی، برای سرپرستی و اداره شؤون مسلمانان به حکم

ضرورت لازم آید، قهراً نظام و تشکیلاتی باید باشد که بر تعیین حاکم، شرایط،

صلاحیت‌ها، اختیارات و اوصاف او نظارت داشته باشد و در چگونگی صدور

صلاحیت‌ها و رابطه حاکم بر مردم ضوابطی باشد و گرنه هرج و مرج جای نظم و انضباط را می‌گیرد و این بر خلاف اصول اسلام و منطق است.

این نوشتار بر آن است تا حکومت اسلامی رسول الله صلی الله علیه و آله را، که پس از هجرت در مدینه ایجاد کردند، مورد شناسایی قرار دهد و در نگرشی دقیق، سازمان اداری آن را تشریح کند.

سازمان اداری در دوران جاهلیت

اعراب حجاز، بدوی بودند. بنابراین ذکر حکومت و سازمان اداری به معنای دقیق کلمه در مورد آنان درست نیست؛ زیرا بدوی بودن و نظام حکومتی دو امر متناقض‌اند. ولی شهر مکه، مدینه و طائف وضعی میانه در بداوت و حضارت (تمدن) داشتند. به عبارت بهتر، در حالتی میان زندگی شهری و قبیله‌ای به سر می‌بردند.

شهر مکه مقر قبایل قریش بود و هر قبیله‌ای محله‌ای از آن را در اختیار خود داشت و این مجاورت قبایل با یکدیگر، نوعی اتحاد و تقسیم کار در میان آنان ایجاد نموده، لیکن با این حال، همچنان علاقمند به استقلال باقیمانده بودند و از پیوستن به یکدیگر خودداری می‌کردند، به همین جهت هیچگاه به مرحله یک شهر به معنای جدید نرسید و به سلطه و نفوذ یک قدرت همگانی تن نداد.

هیچگاه دیده نشد که شخصی به عنوان مکی معروف باشد و منسوب به مکه گردد.

ولی انتساب به قبیله بسیار معمول و متداول بود. ملیت فقط ملیت قبیله‌ای بود و افتخار، افتخار قبایلی.

دارالندوه

قریش برای مذاکره و مشاوره در امور خصوصی و عمومی اجتماع می‌کردند و این اجتماعات رسمی در دارالندوه برگزار می‌شد. محل آن، خانه قصی بن کلاب بود که آن را ساخت و از آن دری به جانب کعبه قرار داد. آن اولین خانه‌ای است که در مکه ساخته شد و سپس مردم خانه‌های خود را به تبعیت از او ساختند. مورخان و سیره نویسان گفته‌اند که وجه نامگذاری «ندوه» از آن رو است که مشتق از ندی و نادی و منتدی است و این لغت به معنای مجلس است که مردم برای مشورت در امور خیر و شر، در آنجا گردهم می‌آمدند و قریش در آنجا به حل و فصل کارها، پیوندهای زناشویی، لوای جنگ، ختنه پسرها و... می‌پرداخت. (۶)

پست‌های مهم اداری مکه (۷)

۱ - سرانت و حجابت؛ یعنی دربانی و پرده داری کعبه، که به عهده بنی عبدالدار بود

و پس از آن امور مربوط به دارالندوه نیز بدان افزوده شد.

۲ - سقایت و عمارت؛ یعنی آب دادن حجاج و حفظ و حراست آداب و تشریفات در

خانه کعبه. این منصب در دست بنی هاشم بود. عمارت یا نگاهبانی مسجدالحرام، یکی

از مؤسسات وابسته به سقایت بود تا مراقبت کنند که کسی در آن محل مقدس یاوه

سرایی و بدگویی نکند و فریاد نزند.

۳ - افادت؛ یعنی میهمانداری و اطعام حاجیان. قریش در مواقع معین، مبلغی پول از

میان خود گرد می آوردند و برای اطعام فقرا به متصدیان میهمانخانه می دادند. این

منصب از آن بنی نوفل بود.

۴ - ایسار؛ تفال و تطیر با تیرهای بی پر، در دوران جاهلیت بود که اعراب از این

طریق در مشکلات زندگی چاره جویی می کردند و این خود به سمتی تبدیل شد که

بنی جمح آن را بر عهده داشتند.

۵ - اموال محجره؛ اوقافی بود که به نام خدایان خود وقف می‌کردند. این سمت در

دست‌بنی سهم بود. این پنج منصب جنبه دینی داشت. در کنار آن‌ها منصب جنگی

نیز وجود داشت.

۶ - اللواء؛ پرچمداری؛ پرچمی دینی بود که در جنگ‌ها آن را خارج می‌ساختند و آن

را عقاب می‌نامیدند. پرچم قریش به دست قصی بن کلاب بود که به فرمان وی آن را

برای جنگ آماده می‌کردند.

۷ - قبه و اعنه؛ و آن خیمه‌ای بود که برخی از ابزار جنگی و تجهیزات نظامی در آن

نگاهداری می‌شد و مقام «اعنه الخیل» متصدی نگهداری اسبان قریش در جنگ بود و

این سمت را بنی مخزوم عهده‌دار بود.

در کتاب‌های عرب پنج منصب دیگر برای اعراب ذکر شده و آنها عبارتند از:

۸ - قیادت؛ مقام راهبری قافله یا جنگجویان یا هر دو، که ولایت آن در بنی امیه بود

و در اواخر عهد جاهلی، ابوسفیان آن را به دست داشت.

۹ - مشورت؛ عبارت بود از مشاوره در امری با متصدی این سمت، پیش از آن که

برای آن امر اجتماع نمایند. این منصب در ست بنی اسد بود.

۱۰ - اشناق؛ مؤسسه ای که برای حل اختلاف و رضایت خصم تاسیس شد و

معمولا برای پرداخت دیه های قبایل قریش و یا دیگران بوده است و ریاست آن به

دست بنی تمیم بود.

۱۱ - سفارت؛ یعنی اعزام نمایندگان و سفیران برای انجام مذاکرات صلح و جنگ یا

اظهار تفاخر قریش در برابر اقوام دیگر. این منصب را بنی عدی به دست داشت. و

آخرین مسؤول آن در جاهلیت عمر بن خطاب بود.

۱۲ - ایلاف؛ به معنای تضمین راه های بازرگانی، بدون پیمان حلف است. نوعی

اجازه تجارت که قبیله قریش آن را از دولت های ایران و روم و از حکام حبشه و

یمن در اختیار داشت و کسانی که این مقام ممتاز را برای قریش کسب کردند،

هاشم، مطلب، عبد شمس و نوفل فرزندان عبد مناف بودند.

۱۳ - قضا؛ نظام اداری مکه بر روی سه محور دینی، نظامی، اقتصادی می چرخید.

لذا جای مؤسسه قضایی یا قضاوت خالی بود. برخی سران عشایر قریش بر آن

شدند. تا این خلا را برطرف کنند و در این راستا حلف الفضول را میان خود بستند.

اساس آن پیمان دفاع از حقوق افتادگان بود و بنیانگذاران آن، همه نام فضل داشتند

و پیامبر خدا در این پیمان، که حقوق مظلومان را بیمه می کرد، شرکت فرمود. (۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله همه این مناصب، جز حجابت و سقاییت را لغو و باطل

اعلام کرد.

ویژگی‌های اجتماعی مکه در آغاز بعثت

ساختار اداری مکه متأثر از سه ویژگی اجتماعی بود، که شهر مدینه آن سه ویژگی

را نداشت و آنها عبارت بودند از:

الف: اکثریت شهروندان مکه را قریش و عشایر و تیره‌های آن تشکیل می‌داد، احتمالاً

افرادی از قبایل دیگر بوده‌اند اما در اقلیت قرار داشته‌اند. یکدست بودن شهروندان در

مکه، این شهر را از خونریزی و عداوت‌های حاد سیاسی بدور می‌داشت. جنگ و

خونریزی عمده‌ای میان قریش در تاریخ ثبت نشده است.

ب: خصوصیت دیگر مکه در رنگ و طبع بازرگانی آن بود، بازرگانان قریش با

عشایر قریش و کشورهای خارج روابط بازرگانی داشتند. تنظیم دقیق حرکت

کاروان‌های بازرگانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و مستلزم آن بود که روابط با قبایل سر راه‌های قافله‌ها و کشورهای مقصد به دقت بررسی شود.

ج: به دلیل وجود کعبه، این شهر به عنوان جایگاه عبادت و انجام مراسم حج، برای اعراب تقدس داشت و از نظر درآمد توریست و بازرگانی، منبع درآمد سرشاری برای قریش بود.

این ویژگی‌های سه‌گانه موجب شد که این شهر از یک نظام اداری و مرکز قدرت برخوردار باشد و پیامبر در مکه مردم را به دینی جدید دعوت می‌کرد و عقول را از خرافات آزاد می‌نمود. او به برکت این دین توانست گروهی از مردم را پیرامون خود جمع کند و از این گروه، سازمانی واحد مبتنی بر تعلقات و تمایلات روحی واحد تشکیل گردید.

وضعیت دولت اسلامی و سازمان‌های مربوط به آن، در مدینه

اوضاع یثرب در آستانه هجرت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

چون ساکنان شهر یثرب (عرب و یهود) قبل از اسلام فاقد پیکره اجتماعی متکامل بودند، هیچ گونه اقتدار سیاسی فراگیر و یا نظام اداری جامع در آن پدید نیامد و مؤسسه و سازمانی که بتواند واحدهای متفرق را در یک زنجیره مصالح مشترک و حیاتی پیوند دهد وجود نداشت. اما پس از آمدن اسلام به مدینه و اندکی پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله تکوین نظام اداری در این شهر آغاز شد.

ممکن است شالوده و زیر بنای نظام اداری شهر یثرب با انتخاب نقبای دوازده گانه، از میان بیش از ۷۰ نفر توسط اوس و خزرج که به تقاضای پیامبر بود، گذاشته شده باشد. در دومین بیعت عقبه، (۹) سه نفر از اوسیان و نه نفر از خزرجیان با پیامبر خدا بر اسلام و طاعت و جهاد بیعت کردند. وظیفه و مسؤولیت نقبا، مسؤولیت اداری، سیاسی، فرهنگی و تبلیغ و نشر اسلام در یثرب و زمینه سازی برای

مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بود.

نقش هجرت در استقرار حکومت

هجرت مرحله‌ای بزرگ در زندگی اسلام است و از دیدگاه ما در باب تاریخ حکومت

اسلامی، قطعا مهمترین مرحله پیدایش حکومت اسلامی است. پیامبر خدا صلی الله

علیه و آله در نتیجه زیستن در جو سیاسی و اداری شهر مکه، از درایت و خبرگی

لازم برخوردار بود. آن حضرت در آغاز هجرت، به چند جهت باید با دشواری های

فراوان در تاسیس نظام اداری شهر مقابله کند.

نخست: شهر یثرب به لحاظ ناهمگونی میان شهروندان از هرگونه نظام اداری کامل

و مناسب تهی بود و اصولا افراد و اجتماع یثرب فرهنگ نظم اجتماعی و اداری

نداشتند.

دوم: رابطه میان قبیله اوس و خزرج و رابطه همه آنها با یهودیان بر پایه جنگ و خونریزی بود و لذا امنیت شهر همیشه نگران کننده می نمود و مردم را بر آن داشت تا خانه های خود را در مجتمعات مسکونی، جدا از هم، به شکل پادگان های نظامی بنا کنند.

سوم: سه گروه که دشمن اسلام بودند، از ساکنان شهر به شمار می آمدند:

۱. اعراب (به استثنای اوس و خزرج)، مانند خطمه، بنو واقف، بنو سلیم که در سال اول هجرت اسلام نیاوردند و اسلام بسیاری از ایشان تا سال چهارم هجرت به تاخیر افتاد. (۱۰)

۲. منافقین، گروهی که عمل به شعائر اسلامی می کردند ولی با طرح سیاسی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی با ریاست پیامبر صلی الله علیه و آله مخالف بودند.

۳. یهودیان، که نمونه عینی مخالفین فرهنگی، سیاسی، اجتماعی با اسلام، به اعتبار

آیین و دولت و نظام سیاسی - اجتماعی بر مبنای اسلامی به حساب می‌آمدند.

این دشواری سه بعدی، در راه تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله برای سازماندهی

نخستین جامعه اسلامی، بسیار مهم و حساس بود.

پیمان برادری، نخستین قانون دولت اسلامی

یکی از مهمترین تدبیرهای پیامبر برای رفع مشکلات و موانع موجود و تکوین

سازمان جامعه جدید، عقد برادری و اخوت میان مهاجر و انصار بود. این پیمان

نامه در واقع قانون مختصری بود که وظایف اولیه مدنی افراد را به عنوان

شهروندهایی که باید همکاری متقابل با یکدیگر داشته باشند، بیان می‌کرد. پیامبر با

این پیمان، آزادی دینی یهود را تضمین کرد و میان مسلمانان و یهود اتحاد برقرار

ساخت. بدین ترتیب قدرت و سلطه‌ای عمومی ایجاد کرد که تا پیش از آن اعراب با

آن آشنا نبودند. پیمان نامه چنین آغاز می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، هذا كتاب من محمد النبي بين المؤمنين و المسلمين و من

قریش و الیثرب و من تبعهم فلحق بهم و جاهد معهم انهم امه واحده...» (۱۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله با اجرای برنامه پیمان برادری و سازمان دادن به این امر

مهم، به قصد بنای جامعه سیاسی دولت اسلامی، گام پیشرفته‌تری برداشت.

مراحل تاسیس سازمان اداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه

مرحله اول، از آغاز هجرت تا سال چهارم (جنگ خندق) بود. در این مرحله اداره

امور شهر مدینه و همه مسؤولیت‌ها زیر نظر شخص پیامبر بود و جز اذان و کتابت

وحی را به هیچ کس واگذار ننمود مگر زمانی که به سفر و یا جنگ می‌رفت. بدلیل

هجوم مهاجرین مکه و مهاجرت برخی از افراد قبایل عرب، جمعیت این شهر زیاد شد و در نتیجه مشکلات مسکن و اقتصادی ظاهر گشت.

مرحله دوم، بعد از جنگ خندق تا سال نهم هجری (فتح مکه) است. در این مرحله اقبال عشایر عرب به آیین اسلام افزون شد و تب مهاجرت به شهر مدینه فرو نشست. بسیاری از سران عشایر جدیدالاسلام از سوی پیامبر نزد قبایلشان باز می‌گشتند و به حل و فصل مشکلات روزانه مردم می‌پرداختند. نمایندگان پیامبر مسؤولیتی شبیه به مسؤولیت قضایی داشتند.

مرحله سوم، پس از فتح مکه تا رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در آن متصرفات حکومت اسلامی توسعه یافت و تمام شبه جزیره عربستان و عمده شهرهای آباد جز و منطقه جغرافیایی اسلام درآمد و در نتیجه در سازمان اداره اسلامی نیز تحولات کیفی و کمی صورت گرفت.

یگانه مقر عمومی دولت اسلامی مسجد بود. در هیچ ماخذ تاریخی نیامده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در سال های اقامت در مدینه، امور حکومتی و اداری را در جایی جز مسجد انجام داده است. نخستین مسجدی که در اسلام بنا شد مسجد قبا بود. به استثنای مسجدالنبی، نه مسجد در مدینه در دوران حیات رسول الله صلی الله علیه و آله ساخته شد. همه آن مساجد مرکز عبادت، آموزش و انجام امور مملکتی و اداری و غیره بود. از میان این مسجدها مسجدالنبی در مدینه مقر مرکزی حکومت اسلامی شد و در آنجا پیامبر نمایندگان را به حضور می پذیرفت و سفیران را از سوی خود به ماموریت های اداری و سیاسی و دیپلماسی و نظامی روانه می ساخت. (۱۲)

مؤسسات و سازمان های اداری در مدینه (۱۳)

۱. مؤسسه آموزش و تبلیغ احکام الف. آموزش همگانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آموزش همگانی را در اولویت امور قرار داده بود و نه تنها نسبت به آموزش معارف دین توجه داشت، بلکه به آموزش خواندن و نوشتن به صحابه امی در مدینه عنایتی خاص داشت. پیامبر خدا شرط آزادی هر یک از اسیران بدر را، که خواندن و نوشتن می دانستند، تعلیم ده تن از صحابه و فرزندان آنان قرار داد. وی به زید بن ثابت دستور داد سرپرستی امور ترجمه و پاسخ نامه‌ها را به عهده بگیرد و در این راستا زبان سریانی را بیاموزد. پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به تعلیم حرفه و فن نیز، که در احتکار یهودیان بود، اهتمام می ورزید. در جای جای سنت شریف، پدران و مادران را به آموزش نوشتن، شنا و تیراندازی فرزندان تشویق کرده است. نتیجه آنکه پیامبر دارای سیاست آموزشی ویژه بوده و به آموزش همگانی اهتمام خاص داشته داشت.

ب. معارف دینی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تعلیم و تعلم مسائل مذهبی را وظیفه‌ای عمومی اعلام کرد و همه افراد با سواد را به این کار موظف ساخت. ایشان برای آموزش قرآن از بعضی اصحاب در شهر مدینه کمک می‌گرفت. ظاهراً تعلیم قرآن در اوقات معین، در خانه یکی از مسلمانان انجام می‌شد و تعدادی برای این کار گرد هم می‌آمدند. برخی احتمال داده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله خانه مخصوصی را برای تعلیم قرآن آماده کرده بود. (۱۴) اعزام معلمان به سوی قبایل، به دو صورت انجام می‌گرفته است، در بعضی حالات بنا به درخواست نمایندگان قبایل و در دیگر احوال با پیش دستی پیامبر بوده است.

ج. کاتبان

گروهی از کاتبان، پیامبر را در انجام کارها یاری می‌دادند. از این افراد چهار تن اختصاص به نوشتن وحی داشتند؛ (علی ابن ابی طالب، عثمان بن عفان، ابی بن کعب،

زید بن ثابت). دو تن، در امور زندگی به آن حضرت مدد می‌رساندند؛ (خالد بن سعید

بن العاص، معاویة بن ابی سفیان). دو تن، آن چه را میان مردم پیش می‌آمد

می‌نوشتند؛ (مغیره بن شعبه، حصین بن نمیر) و دو تن مطالب مربوط به قبایل و

مسائل مربوط به آنها را برای مردم می‌نگاشتند؛ (عبدالله بن ارقم بن یغوث، علاء بن

عقبه). همچنین زید بن ثابت نامه‌هایی را که به عنوان پادشاهان بود می‌نوشت. (۱۵)

۲. سازمان مالیات و دارایی

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن در باره وضعیت ثروت و میزان آن در عربستان،

در آستانه تشکیل دولت اسلامی می‌نویسد: کشور عربستان، که سه چهارم (۳۴) آن

بی آب و علف بود، عرصه زندگی قبایلی بدوی به شمار می‌آمد که همه ثروت آنان،

برای تزیین بنایی چون کلیسای سانتاسوفیا بسنده نمود. (۱۶)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در چنین وضعیتی حکومت اسلامی را در مدینه پی

ریزی کرد.

سیاست‌های مالی پیامبر صلی الله علیه و آله

در دوران ابتدای ظهور اسلام در مکه، جامعه مسلمانان بسیار کوچک بود و نیازی به دریافت مالیات وجود نداشت. پس از فتح مکه موقعیت دولت اسلامی تثبیت شد. پیامبر ماموران مالیاتی را برای دریافت زکات به کلیه قبایل عرب، به استثنای یک یا دو مورد، اعزام کرد. تا مطالبات را دریافت کنند. با این‌که دریافت مالیات زمین در زمان حیات پیامبر آغاز شده بود، اما مبلغ آن بسیار کم بود و فقط به دو صورت تسهیم محصولات زراعی از یک قبیله یهود دریافت گردید. جمع آوری جزیه نیز در زمان پیامبر آغاز شد. با این‌حال، این مالیات از نظر مبلغ، زمان و نحوه دریافت قاعده‌مند نشده و با شیوه‌ای ساده و در مقیاس کوچک بود. با وجود سادگی ساختار مالی، نکته دارای اهمیت، تاکید زیاد به پولی کردن اقتصاد بود. معاملات تجاری اعراب قبل از اسلام با استفاده از سکه‌های سایر ملت‌ها انجام می‌شد که

بیشتر دینارهای روم شرقی و درهم‌های ایرانی بود. اعراب دارای شیوه توزین پولی خاص خود بودند و این سکه‌ها را با توجه به روش خود وزن می‌کردند و محاسبات ارزش پول را انجام می‌دادند. بدین معنا که گویا آنها سکه نیستند. اوزان طلا و نقره به ترتیب درهم و دینار «مثقال» نامیده می‌شدند. وزن هفت دینار، برابر ده درهم بود. وزن هر دینار برابر ۷۲ دانه جو و با اندازه مشخص بود. از آنجا که این روش پولی برای جمع کردن زکات مشکلی ایجاد نمی‌کرد، مورد تصویب پیامبر قرار گرفت. خلفای بعدی سعی کردند واحد پولی دقیق‌تری ایجاد کنند. (۱۷)

منابع مالی و روش جمع آوری و توزیع آنها در صدر اسلام

الف. خمس غنایم

نخستین درآمد مالی که به امر خداوند عمل گردید، خمس غنایم بود، سپس جزیه و

خراج و آخرین آن زکات بود که از منابع دیگر، ثبات بیشتری داشت. پیامبر صلی الله

علیه و آله برای اداره درآمدها، اداره مالی تاسیس کرد. اعضای این اداره را

کارگزاران و عمال زکات و نگهبانان و کتاب (حسابداران) و همه کسانی که وجود

آنها برای اداره امور مالی، لازم بود تشکیل می داد. اداره دارایی گام به گام بر حسب

رشد و تنوع درآمدهای حکومت اسلامی و مصارف آن، گسترش یافت.

نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله در باره اولین غنیمت جنگی مسلمانان در

بدر، تعیین عبدالله بن کعب برای گردآوردن و حفظ و ضبط اموال در مکان خاص و

جلوگیری از پخش آن به دست مجاهدان بود و سپس توزیع غنائم میان مجاهدان

به وسیله پیامبر انجام می شد. (۱۸)

روایت است که پیامبر معیقب بن ابی فاطمه را رییس مرکزی ثبت غنائم در دفاتر

ویژه کرد. (۱۹) افرادی را نیز مسؤول اخماس غنائم کرد؛ زیرا خمس باید در بیت

المال محفوظ و نگهداری می شد و در موارد نیاز، دولت آن را انفاق می نمود و نام

عبدالله بن كعب و محيمه بن جزء را در ميان اين افراد ذكر كرده‌اند. در آيه ۴۱ سوره

انفال نحوه توزيع غنايم تصريح گرديده است؛ «و اعلموا انما غنمتم من شىء فان لله

خمسه و للرسول و لذى القربى و اليتيمى و المساكين و ابن السبيل ان كنتم امنتم بالله

و ما انزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان و الله على كل شىء قدير.»

«اى مؤمنان بدانيد كه هر چيزى را به غنيمت گرفتيد (زياد يا كم) خمس آن خاص

خدا و رسول و خويشان او و يتيمان و فقيران و در راه ماندگان است به آنها بدهيد،

اگر به خدا و آنچه بر بنده خود (محمد ص) در روز فرقان و روزيكه دو سپاه اسلام

و كفر، در جنگ بدر روبرو شدند نازل فرمود ايمان آورده‌ايد و بدانيد كه خدا بر هر

چيزى تواناست.»

ب. جزيه (ماليات سرانه)

جزیه، مالیاتی است که در قرآن به صراحت از آن، سخن به میان آمده است؛ «قاتلوا

الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون

دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون.» (۲۰)

ای اهل ایمان، با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و

آنچه (خدا و رسول حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق و آیین اسلام

نمی‌گروند، کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.»

ج. خراج (مالیات بر زمین)

پیامبر صلی الله علیه و آله برای خراج که نوعی مالیات بر زمین بود، سوادبن غزیه

انصاری را عامل خراج خیبر کرد. هنگام تعیین خراج، ارزیابی کننده باید عناصر زیر

را در نظر می‌گرفت: کیفیت زمین، نوع محصول برداشت‌شده و نوع آبیاری. برابر

نظریه ماوردی، وقتی در مورد مبلغ خراج، بر اساس عوامل فوق؛ یعنی سازگاری با

شرایط زمین تصمیم‌گیری شد، بهترین شیوه پرداخت خراج یکی از راه‌های زیر است:

مالیات زمین، مکان کشت شده، تسهیم در محصول. (۲۱)

د. زکات (مالیات صدقه)

زکات و اخذ آن با این آیه شریفه تشریح می‌شود:

«خذ من اموالهم صدقةً تطهرهم و تزكیهم...» (۲۲)

«ای رسول، تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صفات، نفوس آنان را (از

پلیدی و حب دنیا) پاک و پاکیزه سازی و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو

موجب تسلی خاطر آنان شود که خدا (به دعای مخلصان) شنوا و (به مصالح

مؤمنان) داناست.»

پس از تشریح زکات، اداره مالی از جهت نظم و توزیع مسؤولیت‌ها، به سطح

پیشرفته‌ای ارتقا یافت؛ مانند عمال صدقات، مصدقین، جابیان که وظیفه ایشان

گردآوری زکات از مالکین بود. الخارصون، المخنون که مقدار و اندازه آن را تخمین

می‌زدند و کتاب و محررین اموال صدقه و... (۲۳)

در حقیقت زکات مالیاتی است که فقط بر روی ثروتی که از سرمایه گذاری و رشد

سرمایه حاصل شده است وضع می‌شود. بنابراین، ثروت و دارایی‌هایی که برای نیل

به هدف‌های مختلف؛ از جمله مصارف شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند،

مشمول پرداخت این مالیات نمی‌شوند. نکته دوم در باب زکات این‌که پیامبر نصاب

زکات را با توجه به تعداد حیوانات تعیین کرد، نه بر اساس ارزش پولی آنها و وقتی

به این نرخ‌ها بر حسب تعداد حیوانات توجه شود، ملاحظه می‌گردد که بسیار نظام

گرا هستند. نکته سوم، از آنجا که زکات بر ارزش خالص افراد (ثروت خالص) در

آخر سال وضع گردیده است، بنابراین این نوع مالیات از کالاهایی که در مبادلات

تجاری شرکت دارند، گرفته نمی‌شود. این امر موجب می‌شود که هزینه‌های

معاملاتی را کاهش و گردش ثروت را تشویق نماید.

زکات مواد معدنی زیر زمینی نیز تحت عنوان ریکارز شناخته شده است که در

صدر اسلام از اهمیت زیادی برخوردار نبوده است.

۳. سازمان بازرگانی و اقتصادی

در زمینه مدیریت اسلامی در امور اقتصادی در عهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله،

اصول مبتنی بر احترام مالکیت خصوصی مشروع، بازار آزاد، آزادی تولید، آزادی

عقد قرار داد، التزام به تعهدات و قراردادهای و عقود و حرمت کار بدون اجر و

بیکاری مقرر بود. مالکیت ملی زمین، آب، چراگاه، جنگل، معدن، دریا و... در اختیار

سلطه عالیه مرکزی و شخص پیامبر بود. با این همه پیامبر فعالیت‌های اقتصادی را

بدون کنترل و مراقبت رها نکرد مدیریت اسلامی در دو بعد از ابعاد اقتصادی

دخالت می‌کرد:

الف. مراقبت و کنترل بازار

بازار زیر نظر دولت بوده است تا مبادا در معاملات از التزام به حدود شرع تخلف ورزد و در صورت لزوم مخالفین را از ظلم باز می‌داشت و در بعضی حالات تنبیه می‌کرد. چه بسا این اقدام اداری در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان‌های بعد پایه و اساس حسبه بوده باشد که یکی از شاخه‌های مهم حکومت اسلامی در کنترل و مراقبت از امور بازرگانی بود.

ب. پیش‌گیری از احتکار

رشد جمعیت به سبب مهاجرت و مرکزیت شهر مدینه، رو به افزایش نهاد و کار به سوء استفاده تجاری از غله و مواد روغنی و خرما و غیره انجامید و کمبود مواد غذایی در بازار، بازرگانان را به احتکار آن مواد و فروش آن با قیمت‌های زیاد واداشت. هر محتکری که از عرضه کالاهای خود و فروش آن با قیمت مناسب و سودآور که متناسب با قدرت خرید مصرف کننده باشد، امتناع می‌ورزید، به دستور پیامبر تحت پیگرد قرار می‌گرفت. در عهدنامه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام به مالک اشتر (حاکم مصر) آمده است: «... از احتکار جلوگیری کن که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را منع کرد.» (۲۴) ظاهراً مدیریت و کنترل بر بازار سودمند بوده است؛ زیرا در سیره نبوی و در حدیث چیزی که از بحران و کمبود معیشت و اقتصاد خبر دهد، نیامده است.

۴. اداره روابط خارجی (بین‌الملل)

آغاز فعالیت در زمینه روابط بین‌المللی، اول محرم سال هفتم هجری بوده است؛

یعنی پس از صلح نامه حدیبیه و فراهم گشتن امکانات نشر دعوت اسلام در شبه جزیره عرب، اطراف و خارج آن، در بیزانس، ایران، مصر، حبشه، بحرین، یمن، غسان و میان دیگر سران قبایل عرب بود. اداره رسایل و ترجمه از چند نفر از صحابیان تشکیل شده بود که بارزترین آنها عبارت بودند از: زیدبن ثابت (ترجمه از عربی به سریانی و به عکس) عبدالله بن ارقم، سرجیل بن حسنه، حنظله بن ربیع، حنظله بن صیفی و علی بن ابی طالب علیه السلام از ارکان و رؤسای کاتبان پیامبر بوده است. مجموعه اسناد سیاسی و اداری که صدور آنها از پیامبر وایت شده، بالغ بر ۲۴۶ فقره است که شامل: نامه، عهدنامه، صلح نامه، امان نامه، دعوت نامه به قیصره و پادشاهان و امیران و سران قبایل می باشد پس از این که به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع دادند پادشاهان و امیران نامه های غیر ممهور را دریافت نمی کنند. مهری تهیه کردند و در سیره آمده است که مهرداد پیامبر حنظله بن صیفی بوده است.

پیامبر در مدینه دارالضیافه ای ترتیب داد تا وفود و هیات هایی که برای دیدار آن

حضرت و تشریف به اسلام و یا مقاصد دیگر به مدینه وارد می‌شدند، از آنها پذیرایی شود و آن را دارالضیافان و الدار الکبری نیز می‌خواندند. در آغاز خانه حمید بن عبدالرحمن بن عوف بود. سپس درخانه رمله دختر حارث النجاریه استقرار یافت. در دارالضیافه نهار و شام فراهم می‌کردند و بلال بن ریح مسؤول غذای آنان بود. قبل از تهیه دارالضیافه برای پذیرایی از میهمانان از خانه‌های مرفه انصار و مهاجرین استفاده می‌شده است.

دستگاه قضایی

بارزترین و مهمترین مؤسسه در دولت اسلامی بعد از ریاست دولت، نهاد قضایی است. رسول خدا نخستین قاضی در حکومت اسلامی بود، چه در مدینه و چه در خارج آن و با حضور او هیچ کس این ولایت را عهده دار نشد. در زمینه استنابت در قضا و اجرای حدود در تاریخ ثبت نشده است که پیامبر صلی الله علیه و آله

مسئولیت قضا در خارج مدینه را به احدی جز علی علیه السلام سپرده باشد. (۲۵)

در خصوص سیره و تاریخ آورده‌اند که پیامبر برای جماعات نو مسلمان، یک نفر یا

بیشتر از علمای صحابه را برای تعلیم قرآن و احکام اسلام می‌فرستادند. احتمال

می‌رود که این افراد در کنار وظایف آموزشی به حل و فصل و قضاوت در مرافعات

و منازعات ساده می‌پرداخته‌اند و در دعاوی مهم در مدینه به پیامبر رجوع

می‌کرده‌اند و اصولاً نمایندگان پیامبر اختیار قضاوت در مسایل عمده را نداشتند.

سازمان قضایی اسلام در مدینه و سایر بلاد اسلامی همزمان با تشکیل حکومت

اسلامی به ریاست عالیہ پیامبر تشکیل شد و متناسب با نیاز جامعه اسلامی و بر

حسب امکانات و وجود نیروی انسانی صلاحیت دار برای تصدی در داخل و خارج

مدینه به تدریج رشد یافت.

برای نخستین بار توسط پیامبر، مسئولیت مدنی در جرم و کیفر در میان اعراب

مطرح شد. در عهد جاهلیت اگر کسی جرمی مرتکب می‌شد، مسؤولیت آن جرم تمام عشیره و احیانا قبیله را فرا می‌گرفت. اسلام با اعلان اصل «لاتزر وازرۀ و زر اخی» که در حقوق جزایی امروز، مسؤولیت مدنی خوانده می‌شود، آن ارزش جامعه را محکوم کرد.

فرماندهی نظامی و لشکری

تشکیلات ارتش در نظام اسلام، جزو سازمان های دولتی نبوده بلکه سازمانی وابسته به امت بوده است و جنگ مجاهدان را به حساب جنگ دولتی و دفاع از دولت نباید گذاشت، بلکه جنگ، جنگ امت و دفاع امت بوده است. مؤید این گفته، آیات صریح قرآن است که جنگ برای دفاع از امت مسلمان است ضمن آنکه غنایم جنگ و اراضی مفتوحه متعلق به امت می‌باشد.

هزینه جهاد به عهده خود مسلمانان بوده و آنان بعنوان افراد ارتش حقوق دریافت

نمی‌کردند. تمام دست آوردهای عظیم نظامی پیامبر در مدتی نسبتاً کوتاه و در

وضعیتی دشوار، بر اساس سازمان دقیق و بسیار گسترده بوده است. برای اهداف

نظامی، پیامبر همواره خواهان آمار دقیق مردان مسلمان بود و برای آمار مسلمانان

مرد، دفتر و سجل‌های مدون بوده است. مسؤول این سجلات حذیفه بن یمان بود،

که او را صاحب سر رسول‌الله نامیده‌اند. (۲۶)

در زمینه تملک جنگ‌افزار نظامی، پیامبر تدبیری اندیشید که سلاح، اسب و سایر

تجهیزات نظامی، در ملک عموم امت باشد و برای آنها قرق معین کرد. و به طور

منظم و در آمادگی برای جنگ از مردان نامزد برای شرکت در لشکر بازدید می‌کرد

تا آن‌جا که مساله تمرین با سلاح و فنون جنگ، جز و فرهنگ عامه جامعه آن روز

بود. پیامبر مسلمانان را به یادگیری صنایع نظامی تشویق می‌کرد و جاسوسی

نظامی را بعنوان برتری تاکتیکی در جنگ علیه دشمن در برنامه ریزی خود داشت.

در تنظیم لشکر، شیوه متعارف در آن عصر را بکار برد و لشکر را به پنج گروه:

قلب، میمنه، میسره، مقدمه و ساقه تقسیم کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به جای

روش‌های معمول کر و فر، روش (زحف) یا پیشروی آهسته را جایگزین کرد و در

اداره لشکر، به والیان شهرها اختیارات نظامی داد.

تضمین امنیت دولت در شهرها و جلوگیری از تاخت و تاز دشمن خارجی و

گردآوری جنگجو از محل مأموریت خویش در جنب مسؤولیت‌های اداری والیان قرار

داشت.

نتیجه گیری

حکومت اسلامی مبتنی بر مشروعیت سلطه حاکم از ناحیه حق تعالی است و پیامبر

صلی الله علیه و آله بعنوان قائد و حاکم از روز آغازین به قصد بنای اجتماع سیاسی

و دولت، چهارچوب کلی مسؤولیت خود را بعنوان رهبر و حاکم امت و دولت و بر

اساس نبوت و رسالتی که داشت پی‌ریزی کرد. نتیجه این شد که آن حضرت پس از

هجرت به مدینه، بلافاصله تشکیل دولت داده و خود شخصا به رتق و فتق امور پرداختند. تشکیل سازمان‌های متعدد از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دهنده این است که اسلام علاوه بر حکومت، سازمان هم دارد و این سازمان به حکم تاسی بر پیامبر قابل اقتباس است و نوع اقتباس هم بدین‌گونه است که معیارهای برگرفته شده از این سازمان قابل پی‌گیری در هر حکومت اسلامی در هر عصر است.

مهم‌ترین دستاورد سازمان و دولت اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله ارائه این اصل می‌باشد که تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن در صورت وجود شرایط و رفع موانع، از اهم واجبات الهی، بلکه مقدم‌ترین فریضه دینی است و این خود خط بطلانی است بر اندیشه جدایی دین از سیاست در طول تاریخ و ما امروز مفتخریم که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تاسیس جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت عامه فقیه، طرح فرضی حکومت در اسلام را از مرحله اندیشه به عرصه عمل درآورده است.

نوشته شده در چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵ و ساعت ۱۴:۴۷ توسط : پسر